

مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح^۱

یوسف اسماعیل زاده^۲، ابراهیم تقی زاده^۳، علی چهکندی نژاد^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۲

از صفحه ۵۳ تا ۸۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۵

چکیده

هدف این مقاله تبیین مسئولیت کارکنان با نگرش کاهش هزینه‌های ناشی از ترک تکالیف آنان است. پژوهش از نظر گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق کتابها، مقالات و قوانین و مقررات موجود و بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) انجام شده و اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح، برخی اوقات ترک فعل نیز موجب ورود ضرر به اشخاص می‌شود و لذا در ورود ضرر ناشی از ترک فعل زیانبار کارکنان، اگر ترک فعل آنها، مستقیم و با تقصیر باعث ورود ضرر به اشخاص شود، خود کارکنان به جبران خسارات وارد شده به اشخاص ملزم خواهند بود؛ لذا در صورت عدم تقصیر آنان سازمان مربوط عهده‌دار ضرر و زیان وارد شده به زیان‌دیده خواهد بود ولی اگر اقدام او غیرمستقیم باعث خسارت شود به دلیل اینکه مبنای مسئولیت در این مورد قاعده تسبیب است و شرط لازم در این قاعده تقصیر است در صورت عدم تقصیر، مسئولیتی به آن کارکنان تحقق نخواهد یافت. نتایج نشان می‌دهد نویسندگان قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مسئولیت مالکان اشیا اعم از سلاح و مهمات و وسائل نقلیه، لباسهای نظامی، اسناد و دفاتر ثبت وقایع و... را در مواد ۸۰ تا ۹۲ بر مبنای عمد و تقصیر بنا نهاده و بیشتر بر موضوع مجازات تأکید کرده‌اند و فقط در ماده ۸۵ قانون مربوط به لزوم جبران خسارت اشاره شده است. با عنایت به حساس بودن اقدامات این کارکنان ضرورت دارد که در حقوق موضوعه در این باره قوانینی مختص به الزام آنها به جبران خسارت وضع و اجرایی شود. مسئولیت مدنی کارکنان بر نظریه تقصیر استوار، و معیار تقصیر نیز داوری رفتار متعارف مأمور نیروی مسلح حرفه‌ای است.

کلید واژگان

مسئولیت مدنی، کارکنان نیروهای مسلح، ترک فعل زیانبار، خسارت

۱. این مقاله از رساله دکتری رشته حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی با عنوان "بررسی مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند. رایانامه: yosefsmaelzadeh1395@yahoo.com

۳. استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند (نویسنده مسئول). رایانامه: Taghizaadeh@gmail.com

۴. استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند. رایانامه: chahkandinejad@gmail.com

۱. مقدمه

مقام معظم رهبری درباره اهمیت نیروهای مسلح و نقش و تأثیر این نیروها در امنیت می‌فرماید: "امنیت نعمت بزرگی است. در قرآن کریم هم راجع به امنیت سخن رفته است و در هر جامعه‌ای زمینه لازم برای پیشرفتهای مادی و معنوی امنیت است"^۱. هم‌چنین در زمینه ضرورت دقت کارکنان نیروی مسلح و احتیاط در عدم ترک فعل و وظایف توسط آنان نیز فرموده‌اند: "خدای نکرده غفلتها و یا لغزشها موجب ناتمام ماندن کارها و ناقص انجام شدن وظایف نشود."^۲

برابر تقسیم‌بندیها، نیروهای مسلح در کشور جمهوری اسلامی ایران به ستاد فرماندهی کل قوا، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش و نیروی انتظامی تقسیم می‌شود. طبق قوانین و ضوابط، کارکنان نیروهای مسلح موظفند بر اساس قوانین کشور اقدام کنند. از طرف دیگر آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ناظر بر کردار و رفتار آنها است و باید دستور سلسله مراتب فرماندهی و در صورت درخواست مقامات قضایی آنها را نیز اجرا، و در عین حال مقررات سازمانی را هم رعایت کنند. با توجه به جایگاه ویژه نیروهای مسلح در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، که تحت فرماندهی معظم کل قوا است، تکالیف و وظایف حساسی ام از دفاعی و امنیتی، اجتماعی، خدماتی، کمک به دولت در مهار بحرانهای طبیعی و ... به این طیف از کارکنان واگذار شده و انتظار زیادی از لحاظ صحت عمل و دقت آنان در کارهای مورد انتظار جامعه و سلسله مراتب از آنان می‌رود؛ اما گاهی برخی از این کارکنان، وظایف و تکالیف قانونی یا سازمانی را که بر عهده آنها واگذار شده است، ترک می‌کنند که این امر موجب بروز حوادث زیانباری به سازمان مربوط و شهروندان می‌شود. اغلب این ترک افعال زیانبار همراه با تقصیر است؛ ولی گاهی نیز این اقدام با انجام ندادن فعل بدون تقصیر نیز می‌تواند محقق شود. از دیدگاهی دیگر هم ترک فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح، که موجب مسئولیت مدنی می‌شود، ممکن است، مستقیم و بلاواسطه و یا به صورت غیرمستقیم موجب بروز صدمه، و یا با واسطه موجب خسارت به دیگران شود؛ با این حال امکان آن هم هست که در برخی اوقات و با تحقق شرایطی، ترک فعل کارکنان، که موجب ورود ضرر به اشخاص می‌شود، آنان را از جبران خسارت وارد شده معاف کند.

پذیرش و بررسی مسئولیت مدنی برای ترک فعل و وظیفه این کارکنان در حقوق ایران حائز اهمیت فراوان است؛ بدین دلیل که این مسئولیت از حیث سازمانی و دیدگاه موضوعی با توجه

۱. از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای مدیران نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۸.

۲. از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برای مدیران در سال ۱۳۸۶.

به گستردگی تکالیف از جمله نگهداری متهمان در تحت نظرگاه‌ها و ... نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و ضرورت پژوهش در این حوزه را آشکار می‌سازد.

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران برای تعیین مسئولیت مدنی کارکنان مورد اشاره در راستای ترک فعل زیانبار، معمولاً روش و شیوه واحد و مشخصی حاکم نیست و بعضی احکام دادگاه‌ها بدون توجه به مبانی و قواعد مسئولیت مدنی در این مورد صادر می‌شود؛ لذا لازم است مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل کارکنان بر اساس قواعد موجود تبیین شود. این پژوهش درصدد ارائه دیدگاه‌های جدیدی در باب مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل و وظیفه کارکنان نیروهای مسلح در حقوق است و بر اساس قوانین و مقررات موجود انواع رایج ترک فعلی بررسی خواهد شد که به صورت متداول در کشور رخ می‌دهد و مستوجب جبران خسارت برای کارکنان است.

۲. سوالات پژوهش

۱. مبنای نظری مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح در صورت ترک فعل زیانبار کدام قاعده است؟
۲. برای اینکه ضرری از طریق کارکنان نیروهای مسلح قابل جبران باشد چه شرایطی لازم است؟
۳. کارکنان نیروهای مسلح در صورت ترک کدام افعال زیانبار مسئولیت مدنی خواهند داشت؟

۳. پیشینه پژوهش

شعاریان و جباری (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان "مسئولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت" انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگر پلیس در وظیفه مراقبت از متهمان کوتاهی کند و این امر اثبات شود از جبران خسارت مصون نخواهد بود. عباسلو (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان "مسئولیت مدنی ضابطان دادگستری" انجام داده است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگر پلیس اقدام غیرمجاز به همراه خطا انجام دهد به جبران خسارت ملزم است. کریمی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "مسئولیت بدون تقصیر برای دولت" انجام داده است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وقوع مسئولیت بدون تقصیر برای دولت خلاف قاعده ای است که نیازمند تصریح قانون است. محمد غفوری (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان نیروهای مسلح" انجام داده است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بیمه مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح، چه آنها که سلاح دارند و چه آنان که ندارند، روش متعادلی برای جبران خسارت آنان است.

تفاوت این پژوهش با پژوهشهای ارزشمندی قبلی این است که قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری پس از نگارش این مقالات تغییر یافته و از قانون مجازات جرائم مسلح نیز کمتر استفاده شده؛ لذا سعی شده است از قوانین و منابع به روز استفاده شود و رفتاری از کارکنان نیروهای مسلح بررسی شود که به طور معمول به خسارت منجر می‌شود.

۴. مبانی نظری پژوهش

۴-۱. مفاهیم ترک فعل در لغت و اصطلاح و مبانی فقهی و حقوقی

ترک فعل را در لغت به معنای واگذاشتن، ول کردن، دست برداشتن از کاری یا چیزی تعریف کرده‌اند (بهشتی، ۱۳۶۵، ص ۲۷۳). در منبعی دیگر هم به معنی واگذاشتن، ول کردن رهاکردن، دست برداشتن از کاری تعریف شده است (عمید، ۱۳۶۴، ص ۵۶۵). استادان دیگری هم تعدی را افراط هم گویند. در محاورات فارسی می‌گویند: افراط و تفریط کرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۴۷۴). در اصطلاح فقه و حقوق هم کوتاهی در تکلیف را "تفریط" می‌گویند. ماده ۹۵۲ ق م نیز مقرر می‌دارد: «تفریط، ترک عملی است که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیرلازم است» (اباذری فومنشی، ۱۳۹۲، ص ۴۰۶).

الف) مکتب فردی

این مکتب حقوقی از عقاید دانشمندانی نظیر ژان ژاک روسو^۱ تأثیر پذیرفته است و به افراد اجتماع همانند عناصر پراکنده مستقل و بی‌ارتباطی نگاه می‌کند که هر کدام از آنها از دیگری جدا است؛ در نهایت هیچ‌گونه راه چاره‌ای برای تعاون اجتماعی ندارد و افراد را در هرگونه فعالیت ایجابی آزاد می‌گذارد که برای دیگران نیز زیانبار است. در تأیید مدعا می‌توان به اصل معروف حقوق جزا یعنی اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها نیز استناد کرد؛ زیرا هیچ‌گونه جرم و مجازاتی بدون وجود نص صریح قانونی وجود ندارد. اصل ۱۳۷ ق ا نیز مقرر می‌دارد: " اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد". با تأمل در عقائد این مکتب چنین به نظر می‌رسد درباره مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح خوددار نمی‌توان به این نظریه استناد کرد؛ زیرا آنان باید به وظایف خود با سرعت و دقت لازم عمل، و از ترک فعل ممانعت کنند و ترک فعل و وظیفه بدون توجیه قانونی برای آن کارکنان مسئولیت مدنی خواهد داشت (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۵).

این مکتب بر مبنای تعاون و همیاری اجتماعی افراد استوار است. پیروان این مکتب از عقاید جامعه‌شناسانی همانند امیل دورکیم و موریس هوریو الهام گرفته و به تبیین و توضیح عقاید خویش پرداخته‌اند. از میان دانشمندان نیز طوسی به اصل تعاون اجتماعی و تکالیف افراد در جامعه مبنی بر حس معاشرت و تصدی حرفه و شغلی تأکید کرده است که در آن استمداد دارد (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۶). با عنایت به اینکه تأمین نظم و امنیت و عرضه خدمات به شهروندان در جهت آسایش و رفاه اجتماعی یکی از اهداف تشکیل نیروهای مسلح است، چنین به نظر می‌رسد که عقائد این مکتب می‌تواند درباره مسئولیت مدنی کارکنان خوددار صدق کند.

۴-۲. معیار و ضابطه مسئولیت مدنی

الف) معیار نوعی

براساس ضابطه نوعی (نظر برادران مازو)، قواعد مسئولیت مبتنی بر تقصیر بر خطای کارکنان نیروهای مسلح تارک نیز حاکم است؛ لذا طبق این نظریه اگر کارکنان پس از اطلاع خودکشی متهم در تحت نظرگاه به اطلاع‌رسانی به پزشک اقدام نکنند و از اقدامات اولیه خودداری کنند، مرتکب تقصیر شده‌اند و علاوه بر مسئولیت کیفری مسئولیت مدنی نیز خواهند داشت (عباسلو، ۱۳۸۹، ص ۷).

ب) معیار شخصی

براساس این معیار، مسئولیت کارکنان هنگامی مستقر می‌شود که صرف امتناع و خودداری آنان موجب اضرار به دیگری شود؛ در ضمن اگر غرض کارکنان ممتنع از خودداری، صرف اذیت و آزار رساندن باشد، تقصیر کار خواهند بود؛ زیرا نفس قصد اضرار به دیگران تقصیر به شمار می‌رود (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۸).

۴-۳. بررسی تطبیقی ترک فعل کارکنان نیروهای مسلح

الف) حقوق اسلام

حقوقدانان و فقهای اسلام درباره مسئولیت ناشی از فعل سلبی اختلاف نظر دارند. گروهی معتقدند که ترک فعل هم مانند فعل زیانبار ایجاد مسئولیت می‌کند (مالکیه و اهل ظاهر (ظاهریه)؛ اما گروه دیگر (حنفیه) عقیده دارند فقط فعل ایجابی ضمان آور است و فعل منفی ایجاد مسئولیت نمی‌کند. مهم این است که بر اساس نظر فقهای امامیه ترک فعلی از سوی کارکنان نیروهای مسلح ایجاد مسئولیت می‌کند که مقدور، و وظیفه‌ای از نظر قانونی و عرفی برای کارکنان در

آن زمینه باشد؛ به سخن دیگر ترک فعلهایی از نظر امامیه مسئولیت ایجاد می‌کند که به صورت تفریط (ترک تحفظ) باشد. ترک تحفظ به معنی خودداری از احتیاط و مراقبتی است که کارکنان در امور خود عادتاً و عرفاً رعایت می‌کنند و اگر این مقدار از احتیاط و مراقبت را ترک کنند، ترک تحفظ کرده‌اند و چنین شخصی عرفاً متعدی است و از ماده ۳۳۴ ق م نیز چنین استنباط می‌شود. بنابراین چنانکه در تعریف تفریط گفته شده در ترک فعل کارکنان وجود الزام قبلی ضروری است (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

ب) حقوق فرانسه

ترک در ضمن عملی و هم‌چنین عدم اجرای قرارداد و تعهد قانونی برای کارکنان موجب مسئولیت می‌شود؛ اما درباره انجام ندادن تکالیف عرفی توسط کارکنان، عده‌ای از حقوقدانان فرانسوی با استفاده از ملاک ماده ۶۳ قانون جزایی، که مجازات حبس تأدیبی و جبران خسارت را برای کسانی که با اراده آزاد ارتکاب جرمی علیه سلامتی اشخاص جلوگیری نمی‌کنند، مقرر می‌دارد، استفاده کرده‌اند و آن را به ترک فعلهای مدنی نیز سرایت می‌دهند و عنوان می‌کنند دلیلی نیست که انجام دادن کاری که انسان متعارف مرتکب نمی‌شود، تقصیر باشد؛ ولی انجام ندادن کاری که انسان متعارف به جا می‌آورد، خطا است. هم‌چنین اگر عملی را به دلیل منع قانون نتوان جرم دانست، دلیل نیست که از نظر مدنی نیز جرم نباشد؛ اما عده‌ای قبول این نظر را مشکل می‌دانند و معتقدند که آن ماده، مخصوص حقوق جزا است و نباید مفاد آن را به ترک فعلهای مدنی سرایت داد (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

ب) مسئولیت ناشی از ترک فعل در کامن لو

در این نظام حقوقی اگر ترک فعل توسط کارکنان در ضمن عمل صورت بگیرد، همانند این است که جرمی ارتکاب یافته است و ایجاد مسئولیت می‌کند. مسئولیت مدنی بر یکی از عوامل مبتنی است: قصد و اراده مسئولیت مطلق و غفلت و بی‌احتیاطی. در قسم اخیر شرط تحقق مسئولیت چهار چیز است: ۱. وجود وظیفه قانونی که به وسیله قانون معین شده است ۲. نقض آن وظیفه ۳. برقراری رابطه سببیت بین عمل زیانبار و زیانهای وارد شده ۴. ایجاد خسارت (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۴)

ت) حقوق ایران

در حیطه حقوق جزا با پذیرفته شدن اصل قانونی جرائم و مجازاتها، بدون وجود تکلیف و الزام قانونی نمی‌توان کارکنان نیروهای مسلح را به کاری واداشت و یا آنها را از باب خودداری و انجام

ندادن کاری معین مجازات کرد. در قلمرو مسئولیت مدنی هم بدون تردید انجام ندادن تکالیف قانونی به معنای اعم کلمه تقصیر به شمار می‌رود و کارکنان ممسک، مسئول و ضامن جبران زیانهای وارد شده هستند (مستنبط از قانون اساسی). در این باره مقایسه حقوق جزا و حقوق مدنی در تمام آثار و احکام درست نیست؛ زیرا مجرم نبودن کسی با مسئول بودن وی از نظر مدنی هیچ گونه منافاتی ندارد؛ بنابراین اگر برای کارکنانی امکان جلوگیری از ضررها و رفع مخاطرات جانی و مالی باشد، بدون اینکه خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری کند، مقصر است و در حدودی که قانون پیش‌بینی کرده است، مجازات خواهد شد و در ارتباط با همین وظیفه قانونی اگر ضرر و زیان مادی هم متوجه شخص گردیده باشد، آنها را نیز جبران می‌کند (بند ۱ ماده واحده کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴؛ نوین، ۱۳۹۲، ص ۱۵). ذیلاً مواقع و شرایطی بررسی می‌شود که در راستای اقدامات کارکنان نیروهای مسلح می‌تواند به ورود ضرر منجر شود:

ث) خودداری از اجرای تکلیف قانونی

مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح هنگامی پیش می‌آید که قانون، آنان را به اجرای عمل معینی مکلف کند؛ در این صورت هرگاه این مأموران به وظیفه قانونی خود عمل نکنند در واقع مقصر هستند؛ زیرا وظیفه‌ای را که بر عهده داشته‌اند عمل نکرده‌اند. منشأ این گونه تکالیف، قانون است. در ضمن ماده ۲۹۵ ق م ا نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی فعلی که اجرای آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند...» (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۶۱). هم‌چنین، ماده واحده خودداری از کمک به مصدومان و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ نیز به موضوع تشدید مجازات مرتکب ترک فعل کمک به استمدادجویی اشخاص در معرض خطر جانی توسط کارکنان دولت اشاره کرده است؛ در ضمن در این موضوع می‌توان به ماده ۷۱۹ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) نیز اشاره کرد که عنوان می‌کند: «هرگاه مصدوم به کمک فوری نیاز داشت و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأموران انتظامی از این کار خودداری کند... حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مواد ۷۱۴، ۷۱۵ و ۷۱۶ محکوم خواهد شد و دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید» (تقی‌زاده، ۱۳۹۵)؛ بنابراین از قاعده ماده ۹۵۲ قانون مدنی (تفریط) و مواد آن چنین استنباط می‌شود که اولاً انجام ندادن تکالیف قانونی یا قراردادی با شرایط و حدود تعیین شده و در حوزه مأموریت برای کارکنان تقصیر است. ثانیاً در شرایط فوری کمک به مصدومان برای مأمور و غیرمأمور لازم است و اگر غیرمأمور از یاری رساندن به مصدوم خودداری کند در صورت تحقق شرایط مسئول خواهد بود.

ج) شرایط مسئولیت مأمور خوددار

در حقوق ایران برای مسئولیت مأمور خوددار (در شرایط فوری و فوتی) چند شرط به ترتیب ذیل لازم است: ۱. استمداد مصدوم یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک به مصدوم ۲. توانایی کمک و برطرف کردن خطر یا جلوگیری از تشدید نتیجه آن ۳. متوجه نشدن خطر به خود شخص یا دیگران (قاسم زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۲). با عنایت به این مطالب چنین به نظر می‌رسد که بند سوم این شرایط درباره کارکنان کاملاً صدق نمی‌کند و گاهی کارکنان نیروهای مسلح هنگام اجرای وظیفه به رغم خطر باید به استمداد شهروندان و قربانیان بشتابند.

۴-۴. اقسام ضررهای ناشی از ترک فعل کارکنان نیروهای مسلح

الف) ضرر مادی

مقصود زبانی است که توسط کارکنان و در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی (صدمه زدن به شهرت و نام تجاری و علامت صنعتی) یا از بین رفتن صنعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد (ره‌پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۸). به ضرری که اموال موجودی را نابود سازد، «ضرر مثبت» و به ضرر عدم‌النفع قطعی‌الحصول، «ضرر منفی» می‌گویند (تقی زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۴). بسیاری از اقدامات کارکنان ممکن است به ایجاد خسارت مالی منجر، و او ملزم به جبران خسارت شود. ائتلاف اموال شهروندان و سازمان برای آنان مسئولیت مدنی به همراه دارد و او به جبران خسارات مالی وارد شده مکلف است. مواد ۹۳، ۸۵ و ۹۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح با در نظر گرفتن حکم ماده ۱۳۲ ائتلاف اموال سازمان را موجب مسئولیت مدنی مأموران تلقی کرده است.

ب) ضرر معنوی

خسارت معنوی به صدمات روحی و لطماتی اطلاق می‌شود که به آبرو، حیثیت، شخصیت، اعتبار اشخاص توسط کارکنان نیروهای مسلح وارد می‌شود (ره‌پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۸). صاحب عناوین سرمایه معنوی و شخصیت و حرمت شخص را «عرض» می‌نامد و هتک آن را از اقسام ضرر می‌شمرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷)؛ در این زمینه دادرسی باید با توجه به اوضاع و احوال و تشخیص خود و نظر کارشناسی، جبران مالی متناسب با ضرر معنوی وارد به افراد را تعیین کند (ره‌پیک، ۱۳۸۸، ص ۴۹). قانون مسئولیت مدنی نیز در ماده ۱۰ به کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد آید، حق داده است که بتواند از کارکنانی که لطمه وارد آورده‌اند، جبران زیان معنوی خود را بخواهد. خسارات معنوی در ماده ۲ ق م م نیز پیش‌بینی شده است

(در صورتی که عمل وارنده زیان موجب خسارات مادی یا معنوی زیاننده شده...). مطابق ماده ۵ ق م م هم اگر توسط کارکنان، آسیبی به بدن یا سلامتی کسی وارد، و در اثر آن در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیاننده کم گردد و یا از بین برود، غرامتی که به وی باید پرداخت شود، شامل هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی و جبران افزایش هزینه زندگی خواهد بود. مستند مطالبه خسارت معنوی هم ماده یک قانون مسئولیت مدنی است (هرکس... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگر بشود مسئول است...). از سوی دیگر بنابر تعریف تبصره یک ماده ۱۴ آدک مصوب ۱۳۹۲ زیان معنوی صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخص خانوادگی یا اجتماعی تعریف شده است و اینکه با توجه به ماده ۱۴ آ.د.ک که مقرر می‌دارد شاکی می‌تواند تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند، تردیدی در مطالبه این خسارت نمی‌توان داشت. با نگاهی به فقه نیز می‌توان حکم به جبران زیان معنوی را یافت و از جمله این زیانها می‌توان به خسارت ناشی از هتک عرض اشاره کرد (ایراندخت، ۱۳۹۵). هم‌چنین ماده ۵۵ مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز در این زمینه مقرر کرده است: (هر نظامی... موجبات بدبینی مردم را نسبت به نیروهای مسلح فراهم سازد...). ماده ۱۳۲، این قانون هم می‌تواند مستند قانونی دیگری برای مطالبه خسارت معنوی در نظر گرفته شود؛ بدین ترتیب با در نظر گرفتن قواعد عمومی جبران خسارت معنوی، مأموران نیز چنانچه به گونه‌ای موجب خسارت معنوی شهروندان یا سازمان متبوع خود شوند به جبران خسارت آن ملزم خواهند بود. دادگاه نیز طبق ماده ۱۰ ق م م می‌تواند نحوه جبران خسارت را تعیین نماید (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

پ) ضرر بدنی

صدمه‌های بدنی را باید زاینده میان ضرر مادی و معنوی دانست و صدمه‌هایی که توسط کارکنان نیروهای مسلح به سلامت اشخاص وارد می‌شود، هم از نظر روانی باعث زیان او است و هم هزینه‌های درمانی و جراحی و بیمارستان و از کار افتادگی و کفن و دفن را بر داری او تحمیل می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷). در مواد ۴۷، ۴۹، ۴۱ و ۵۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز به لزوم پرداخت دیه توسط کارکنان در صورتی که تیراندازی بر خلاف ضوابط انجام شده باشد، تصریح شده است؛ بنابراین مأموری که در اجرای مأموریت خود بر خلاف ضوابط به تیراندازی مبادرت کند و سبب جراحت یا فوت شود، علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت دیه مکلف است و این همان مسئولیت مدنی ناشی از آسیب جسمانی تلقی می‌شود. علاوه بر این در قانون به کارگیری سلاح، ضوابطی برای استفاده از سلاح پیش‌بینی، و ضمانت اجرایی آن نیز مشخص شده است. ماده ۱۲ و ۱۳ قانون یاد شده نیز به رعایت مقررات و عدم مسئولیت آنان اشاره شده

است (محمدنسل، ۱۳۸۱). مقایسه ماده ۱۳، این قانون و تبصره یک ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نشان می‌دهد که موضوع هر دو ماده یکسان است. در ماده ۱۰ ق م م هم پس از ذکر مصداق بازرسی از خسارات معنوی آمده است: «... دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارات مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر... کند» در این ماده بروشنی جبران مالی خسارت معنوی پیش‌بینی شده است، در مواد ۸، ۲، ۱، ۹ و ۱۰، این قانون و اصل ۱۷۰ ق انیز به طور ضمنی به این مسئله اشاره شده است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

۴-۵. شرایط ضرر قابل مطالبه از کارکنان نیروهای مسلح

الف) ضرر باید مسلم باشد.

مراد از مسلم بودن ضرر این است که زیان مورد ادعای خواهان، موهوم یا مردد نباشد (باریکلو، ۱۳۹۶). در قانون مسئولیت مدنی به این موضوع اشاره‌ای نشده است؛ ولی در ماده ۵۲۰ قانون آدم در مورد خسارت انجام ندادن تعهد استنباط می‌شود که مدعی خسارت باید ثابت کند که ضرر توسط کارکنان نیروهای مسلح به او وارد شده است. از ظاهر عبارت نیز چنین بر می‌آید که ورود ضرر باید در گذشته مسلم باشد. تردیدی که درباره امکان مطالبه «عدم النفع» شده ناشی از ضرورت همین قاعده است و گرنه درباره خسارت مسلم تفاوتی میان مال تلف شده و منفعت از دست رفته نیست؛ با وجود این، اگر خسارتی که در آینده و به احتمال وارد می‌شود به نظر دادرس، ادامه و نتیجه مسلم و مستقیم وضع فعل زیان‌دیده باشد، باید آن را در حکم خسارت مستقیم و کنونی شمرد؛ یعنی خسارتی که وقوع آن به حکم عرف قابل پیش‌بینی در آینده است در زمره خسارتهای حادثه زیانبار کنونی است و آن را نباید با خسارتی که امکان ورود آن می‌رود مخلوط کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷). در حقوق فرانسه هم خسارت از دست دادن شانس به عنوان ضرر قابل مطالبه شناخته شده است؛ هر چند احتمال موفقیت در این شانس یا امکان دستیابی به منافع ناشی زیان مسلم نباشد در این مورد احتمال رسیدن به منفعت یا دفع ضرر مورد توجه نیست؛ بلکه صرفاً خود از دست دادن فرصت ضرر تلقی می‌شود (ایراندخت، ۱۳۹۵، ص ۳۵). بر این اساس به نظر می‌رسد در اقداماتی که کارکنان انجام می‌دهند، این امکان هست که خسارت یا آسیبی جسمانی به شهروندان وارد شود و در عین حال، بخشی از این خسارات ناظر به آینده باشد. با استفاده از ماده ۵ ق م م، می‌توان در صورت احراز تقصیر مأموران، آنان را مسئول جبران تمامی خسارات وارد شده از جمله خسارات آینده (بر پایه احتمال بسیار قوی) تلقی کرد. می‌توان گفت قاعده کلی مسئولیت مدنی که در ماده ۵ ق م م بیان شده است، می‌تواند خسارات ناشی از اقدامات مأموران مورد استناد قرار گیرد (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۹۱ تا ۹۲). منظور از ضرر

«مسلم»، ضرر قطعی یا حتمی است نه احتمالی؛ بدین معنا که یا فعلیت داشته، و یا بر حسب جریان عادی امور، قابل تحقق باشد؛ یعنی وقوع آن در آینده مسلم باشد. از مفاد مواد ۵ و ۶ ق م م، قابل مطالبه بودن ضرر مسلم قابل استنباط است. در مورد تحقق ضرر، لزومی ندارد به یقین فلسفی برسیم؛ بلکه باطن و گمانی که احتمال رسیدن به منفعت اگر معقول و منطقی باشد، ضرر قابل جبران است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۵۲).

ب) ضرر باید مستقیم باشد.

مقصود از بی‌واسطه بودن ضرر این است که بین فعل زیانبار کارکنان و ضرر، حادثه دیگری نباشد تا جایی که بتوان گفت ضرر در نظر عرف از همان فعل ناشی شده باشد. لزوم مستقیم بودن ضرر در ماده ۴ آیین‌نامه اجرائی قانون اجباری نیز آمده است. آنچه مسلم است، خسارات قابل جبران در ماده ۵ ق م م ناظر به آینده، و قابل مطالبه است. درباره احتمالی بودن خسارات آینده باید گفت صرفاً زیانهایی قابل مطالبه است که احتمال ورود آن بمراتب بیشتر باشد. در این زمینه، قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی حکمی مقرر نکرده است؛ اما ماده ۷۲۸ ق آدم سابق مقرر کرده بود (... در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر بلاواسطه ناشی از عدم اجرای تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است...). ماده ۵۲۰ ق آدم نیز مقرر کرده است که: ... خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم خواسته بوده... حکم ماده ۵۲۰ قانون اخیر، که جایگزین ماده ۷۲۸ ق آدم سابق شده است، اگر چه به مسئولیت مدنی ناشی از قرارداد ناظر است به عنوان قاعده کلی در مسئولیت مدنی قهری نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. بر این اساس در دعاوی مسئولیت مدنی، منحصراً خساراتی قابل مطالبه است که به رفتار زیانبار منتج شده باشد؛ پس هر گاه خسارتی مع‌الواسطه و ناشی از وقوع خسارت دیگر باشد، قابل مطالبه نخواهد بود. این قاعده در ماده ۵۲۰ ق آدم گر چه به مسئولیت مدنی قراردادی ناظر است با ملاک واحد در مسئولیت مدنی قهری نیز قابل استناد است. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به این نکته اشاره‌ای نشده است؛ اما مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح نیز از لحاظ شرایط ضرر قابل مطالبه تابع قواعد عمومی است؛ پس هرگاه مأموران به دلیلی مسئول شناخته، و به جبران خسارت ملزم شوند، تنها به پرداخت خسارات مستقیم مکلف خواهند بود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸، ص ۹۱ تا ۹۲). حقوقدانان، خسارت را به دو قسم «مستقیم» و «غیرمستقیم» تقسیم می‌کنند: در خسارت مستقیم کارکنان زیان زنده مسئول هستند؛ اما در برابر خسارت غیرمستقیم، مسئولیتی ندارند. مقصود از

بی‌واسطه بودن ضرر این نیست که هیچ علتی در ورود ضرر واسطه نباشد، بلکه ملاک احراز «رابطه سببیت عرفی وجود ندارد؛ لذا آنچه مهم است، «رابطه سببیت عرفی» است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۵۶). هر چند شرط مستقیم بودن ضرر در بیشتر نوشته‌های حقوقی یکی از شرایط ضرر قابل جبران بیان شده است به نظر می‌رسد که این شرط به نوعی بیانگر لزوم رابطه سببیت بین زیان وارد شده و فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح است. دلیل غیرقابل جبران بودن ضرر غیرمستقیم این است که این ضرر ناشی از فعل زیانبار عامل نیست و بین چنین ضرری و فعل زیانبار، عرفاً رابطه سببیت وجود ندارد (باریکلو، ۱۳۹۶، ص ۸۹)؛ پس خسارت باید بلاواسطه ناشی از عمل یا عدم اجرای تکلیف قانونی کارکنان نیروهای مسلح باشد که قانوناً مسئول جبران خسارت شناخته می‌شوند به گونه‌ای که عرفاً بتوان گفت بر اثر عدم اجرای تکلیف قانون یا اجرای فعل کارکنان، خسارت به وجود آمده است. منظور از خسارت مستقیم (بلاواسطه) این نیست که فقط یک عامل در ایجاد خسارت دخالت کرده باشد بلکه کافی است بین خسارت و عمل زیانبار کارکنان، رابطه معرفی باشد (ایراندخت، ۱۳۹۵، ص ۳۶).

پ) ضرر باید جبران نشده باشد.

ماده ۳۱۹ ق م در این باره و پس از بیان مسئولیت تضامنی غاصبان مقرر می‌کند: «اگر مالک تمام یا قیمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبان بگیرد، حق رجوع به قدر مأخوذ خود به غاصبین دیگر را ندارد.» در ضمن قانون مدنی درباره منافع مال مغضوب در ماده ۳۲۲ مقرر می‌کند: «ابراء ذمه یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمه دیگران از حصه آنها نخواهد بود؛ لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع ابراء کند، حق رجوع به لاحقین نخواهد داشت» (کانون‌زیان، ۱۳۸۷)؛ پس در هر مورد، که ضرر زیان‌دیده توسط سازمان نیروهای مسلح یا بیمه و... جبران شود، ضرر از بین می‌رود و دوباره نمی‌توان آن را از مأموران مسلح مطالبه کرد (ماده ۳۱۹ ق م). فرض این موضوع در جایی است که «شرکت بیمه» در بیمه‌های مسئولیت و بیمه اموال به جای وارد کننده زیان به زیان‌دیده خسارت پرداخت می‌کند؛ در این موارد زیان‌دیده نمی‌تواند بار دیگر از عامل زیان یا همان کارکنان نیروهای مسلح خسارت بگیرد مگر اینکه شرکت بیمه، تمام خسارت را پرداخت نکند که در این حالت زیان دیده می‌تواند مابه‌التفاوت ضرر را از عامل زیان مطالبه کند (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۵۹)، بدیهی است که اگر مسئولیت کارکنان بیمه شده، و تعهد بیمه‌گر از میزان زیان وارد شده کمتر باشد، زیان‌دیده می‌تواند برای بقیه خسارت خود به کارکنان نیز مراجعه کند (ایراندخت، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

ت) ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد.

این موضوع در ماده ۳۵۳ قانون قدیم و ماده ۵۲۱ ق م ا اشاره شده است؛ لذا از جمع این دو ماده چنین بر می‌آید که معیار امکان و پیش‌بینی کارکنان عدم ورود ضرر به دیگران است و از این جهت با مفاد ماده ۱۳۲ ق م، که انگیزه رفع حالت و رفع ضرر را یکی از شرایط اباحه تصرف زیانبار قرار می‌دهد، تفاوت دارد (این نکته را باید افزود که امکان پیش‌بینی ضرر به طور معمول در موردی شرط است که تقصیر، مبنای مسئولیت باشد و در مسئولیت‌های محض و مبتنی بر ایجاد خطر، امکان پیش‌بینی ضرر در لزوم جبران آن نقشی ندارد) (کاتوزیان، ۱۳۸۷). در ماده ۵ ق م م نیز آمده است که: اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده است در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان‌دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او شود، واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است... از اطلاق این حکم استنباط می‌شود، قانونگذار تمامیت جسمانی و سلامت بدنی اشخاص را تضمین می‌کند و به دوری و نزدیکی زیان، توجه نمی‌کند و کارکنان عامل زیان مسئول جبران (تمام خسارات) هستند. حال با در نظر گرفتن طبیعت یا ماهیت اقدامات مأموران، می‌توان گفت در بسیاری از موارد، ضرر وارد شده به شهروندان غیرقابل پیش‌بینی است. بدون شک هر مأمور محتاط و متعارف، وقوع بعضی خسارات را پیش‌بینی، و از وقوع آن جلوگیری می‌کند؛ اما پیش‌بینی خسارات دور از ذهن و احتمالی را نباید بر کارکنان تحمیل کرد؛ بنابراین جبران خسارتی را می‌توان از کارکنان انتظار داشت که در شرایط متعارف به وجود آمده و نوعاً قابل پیش‌بینی باشد (ایراندخت، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

ث) ضرر باید از اقدام و کاهلی زیان‌دیده ناشی نباشد.

در این زمینه قانونگذار به دادرس اختیار داده است که در صورت کوتاهی زیان‌دیده از دفع ضرر به کارکنان نیروهای مسلح در میزان خسارت تخفیف دهد (بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی).

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش از نظر گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق تحقیقات معتبر، کتابها، مقالات و قوانین و مقررات جدید انجام شده و اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش کاربردی است که به روش کتابخانه‌ای انجام شدن، لذا از تجربیات ارزشمند استادان بازنشسته و شاغل نیز بهره گرفته است.

۶. یافته‌های پژوهش

برای آشکار شدن اینکه ترک فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح از کدام نظریه پیروی کند، تقسیم‌بندی مصداقها و انواع آنها بیان شده می‌شود:

۶-۱. مصداقهای مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل کارکنان نیروهای مسلح

در بیشتر کشورهای دنیا بر توانایی نیروهای مسلح کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در برابر تهدیدات قهرآمیز نظامی و غیرنظامی تأکید شده است (ماندل، ۱۳۷۸، ص ۷۶). نکته حائز اهمیت در این بحث این است که این امر مهم و حساس باید با دقت کافی و بموقع انجام، و تأخیر در اقدامات که به منزله عدم اجرای فعل تلقی شود (سودی برای ذی‌نفع نداشته باشد) یا ترک وظایف کارکنان موجب بروز خسارت برای اشخاص نشود. ذیلاً مواردی بررسی می‌شود که ترک فعل آنها می‌تواند موجب ورود ضرر به اشخاص شود:

الف) مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل مراقبت از اشیا

از آنجا که امروزه بیشتر حوادث زیانبار با دخالت اشیا در اختیار کارکنان و به ظاهر بدون تقصیر آنها ایجاد می‌شود، جبران زیان ناشی از آنها به وسیله کارکنان، منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد؛ با وجود این تعیین ضابطه و شناسایی کارکنان مسئول به دقت و تأمل بیشتری نیاز دارد و در این باره باید بسیار با احتیاط و سنجیده عمل شود تا مسئول واقعی حادثه زیانبار، جبران آن را تحمل کند و بار مسئولیت او بی‌دلیل بر عهده دیگری قرار نگیرد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

۱. مصداقها در قانون مدنی ایران: نویسندگان قانون مدنی مسئولیت سازمان و در صورت تقصیر کارکنانی را که به دلیل نوع وظایف، عهده‌دار اشیایی می‌شوند یا متصرف حیوان و مسئولیت ناشی از تصادم بین دو کشتی یا قطار راه‌آهن یا اتومبیل را در مواد ۳۳۳ تا ۳۳۵ بر مبنای تسبیب بنا کرده‌اند که در نتیجه می‌توان این مسئولیتها را مذکور برای کارکنان در این مواد از مصداقهای تسبیب در قانون مدنی به شمار آورد.

۲. مصداقها در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: نویسندگان قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت مالکان اشیا اعم از سلاح و مهمات و وسائل نقلیه، لباسهای نظامی، اسناد و دفاتر ثبت وقایع و... را در مواد ۸۰ تا ۹۲ بر مبنای عمد و تقصیر بنا نهاده و بیشتر بر موضوع مجازات تأکید کرده‌اند؛ اما در ماده ۸۵ این قانون به لزوم جبران خسارت هم اشاره شده است. در حقوق ایران، احراز رابطه سببیت در بروز خسارت به زیان‌دیده و اشیای متعلق به کارکنان نیروهای مسلح الزامی است ولی در قوانین، این رابطه سببیت مبهم است و مانند حقوق انگلستان شفاف و دقیق تبیین نشده است (داراب پور، ۱۳۹۰، ص ۷).

ب) مسئولیت مدنی کارکنان ناشی از ترک فعل مراقبت از حیوانات (مواد ۵۲۲ ق م ا و ۳۳ ق م) کارکنان نیروهای مسلح در مواقع بحرانی یا عملیات تجسس و دستگیری در برخی موارد ناگزیر از استفاده از حیواناتی هستند که می‌توانند آنان را در وظیفه، یاری کنند. برخی از حیوانات مزیت‌هایی دارند که استفاده از آنها توسط کارکنان نیروهای مسلح، غیرقابل اجتناب است؛ نمونه بارز آن، سگ در عملیات جستجو و دستگیری تبهکاران مواد مخدر است که به موجب فتاوی صریح در این زمینه، استفاده از این حیوان برای عملیات و نجات مصدومان بلامانع و مشروع تلقی شده است. در حقوق ایران، قانونگذار مواد ۲۷۲ ق م ا، ۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴ ق م ا، ۵۲۴، ۳۳۵، ۵۲۵، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲ ق م ا، ۱۸۰، ۳۳۰، ۳۳۴ ق م ا، ۳۵۸، ۳۳۴ ق م را به این موضوع اختصاص داده و قواعد درباره مسئولیت ناشی از مالکیت یا حفاظت حیوان در ماده ۳۳۴ ق م و مواد ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵ و... ق م ا تشریح شده است. در ماده ۳۳۴ ق م، مسئولیت ناشی از مالکیت یا تصرف حیوانی که به دیگری خسارت وارد کرده بر مبنای تقصیر استوار شده است. بر این اساس زیان‌دیده، طبق قاعده کلی، تقصیر کارکنان یا سازمان را باید اثبات کند و مالک به اثبات مواظبت و حفاظت متعارف از حیوان نیازی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۸۷). نقطه اشتراک مواد قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی در این است که مبنای مسئولیت در هر دو قانون، تقصیر است و مالک یا متصرفی که حیوان تحت اختیار او بدون تقصیر به دیگری خسارتی وارد کند، مسئول جبران زیان وارد شده نخواهد بود؛ در ضمن در مواد ۵۲۳ و ۵۲۴ ق م ا دو مصداق دیگر از خسارت وارد شده از سوی حیوان مطرح شده که بیانگر مسئولیت مطلق است. به اعتقاد برخی، حکم اخیر با نظریه خطر قابل توجیه است؛ زیرا حیوان در حال توقف موجودی زنده و پرتحرک است و می‌تواند خطر بیافریند و مال و جان دیگری را تلف کند؛ بنابراین از آنجا که در حقوق ما، مسئولیت ناشی از خسارات توسط حیوان به عنوان قاعده کلی بر تقصیر مبتنی است و در عین حال مواردی از مسئولیت مطلق نیز به رسمیت شناخته شده است، حسب مورد باید قائل به تفکیک شد و چنانچه موضوع خسارت وارد شده از سوی حیوان مورد استفاده کارکنان از مصداق‌های مقرر در ماده ۵۲۴ ق م ا است، آن کارکنان مسئولیت مطلق خواهند داشت. در غیر این مورد و به عنوان قاعده کلی قابل اعمال در حقوق ایران، تقصیر این کارکنان در ورود خسارت باید اثبات شود تا زیان‌دیده استحقاق مطالبه زیان را داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۹۳). بنابراین هنگامی که خسارتی از ناحیه حیوانات مورد استفاده کارکنان به شهروندان وارد می‌شود، مسئولیت شخصی کارکنان مطرح می‌شود که در چنین حالتی، اثبات تقصیر به عهده زیان‌دیده خواهد بود و بدیهی است که اثبات چنین امری

مشکل است. تبصره ۱ ماده ۵۰۸ ق م ا هم در این زمینه عنوان کرده است: هرگاه آسیب دیده بدون اذن مالک یا با اذنی که قبل از اجرای این کارها از مالک گرفته است، وارد شود و صاحب ملک از ورود او اطلاع نداشته باشد، مالک ضامن نیست مگر اینکه صدمه یا تلف به علت اغواء، سهل‌انگاری در اطلاع دادن و مانند آن مستند به مالک باشد؛ در ضمن در ماده ۵۲۲ ق م ا نیز چنین مقرر شده است: «متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است، باید آن را حفظ کند و اگر در اثر تقصیر او، حیوان به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است؛ ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده است و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست» (شعاریان و جباری، ۱۳۸۸). از سوی دیگر در حقوق ایران با توجه به ماده ۳۳۴ ق.م مالک یا متصرف حیوان علی‌الاصول مسئول خسارات ناشی از حیوان نیست مگر اینکه کارکنان در حفظ آن تقصیر کرده باشند. این تقصیر باید از سوی زیان‌دیده اثبات شود. به نظر بعضی از حقوق‌دانان مسئولیت مالک حیوان از اقسام ترک فعلی است که سبب مسئولیت اشخاص می‌شود. این مسئولیت از نظر تکلیف در حفاظت حیوان بر مالک تحمیل می‌شود نه منحصرأً به سبب مالکیت متفاوت است. بهترین ضابطه در این مورد همان ضابطه عرفی است (ایراندخت، ۱۳۹۵)؛ اما در هر حال اگر حیوان به دلیل عمل کارکنان منشأ ضرر شود، کارکنان مسئول خسارات وارد شده خواهند بود. در این ماده آشکارا، مبنای تقصیر مطرح شده است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).

پ) مسئولیت مدنی کارکنان ناشی از عدم مراقبت از مراقبان و تحت نظریها (ماده ۱۲۱۶ ق م) اگر شخص تحت مراقبت کارکنان نیروهای مسلح، خسارتی به خود یا دیگری وارد کند، قاعدتاً کارکنان مراقب باید مسئول جبران خسارت باشند (مستفاد از ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی ایران؛ یزدانیان، ۱۳۹۳، ۱۷۵). خودداری از اجرای وظایف و تکالیف قانونی در مواردی عمدی و در موارد دیگر، ناشی از اعمال غیرعمدی است؛ برای نمونه اگر مأمور با قصد نتیجه و به عمد از وظیفه مراقبتی خودداری کند که نسبت به شخص معین دارد؛ متهمی که در بیمارستان بستری است و حسب دستور قضایی تحت نظر مأمور قرار دارد و از سوی دیگر جنایت‌دیدگان تهدید به قتل شده است، علی‌القاعده باید وضعیتی متفاوت از مأمور داشته باشد که با نقض غیرعمدی وظیفه مراقبت مانند توفیق نیافتن در دستگیری مجرم خطرناک به دلیل مسامحه، موجب بروز خسارت می‌شود. بدیهی است در صورت نقض عمدی وظیفه مراقبت، مأمور امکان استناد به مصونیت را ندارد (برایان، ۲۰۰۴). مسئول رفتار زیانبار خود خواهد بود. باید مدنظر داشت که معیار مراقبت، عملکرد فردی متعارف در اوضاع و احوال مشابه است؛

به عبارت دیگر، میزان مراقبت به موضوع مورد نظر بستگی دارد و در هر مورد باید دید فرد متعارف در چنین حالتی چگونه عمل می‌کند (دیکشنری حقوقی آکسفورد، ۲۰۰۲). از کارگر کارخانه انتظار نمی‌رود به اندازه متخصص باتجربه مهارت داشته باشد و مراقبت کند. هر شخصی که در مقام دارنده مهارتی خاص به کار گمارده می‌شود، باید مراقبتهای لازم را برای آن مهارت به کار ببندد؛ برای مثال شخصی که به عنوان مأمور استخدام آموزش تخصصی می‌بیند، باید تخصص لازم و مراقبت لازم را به کار ببندد؛ بنابراین می‌توان گفت معیار مراقبت صاحبان مشاغل حرفه‌ای نظیر کارکنان نیروهای مسلح، رفتار مأموری متعارف در همان شرایط و اوضاع و احوال است و این معیار در واقع، وظیفه مراقبت بیشتری را در مقایسه با اشخاص عادی و معمولی جامعه به مأمور تحمیل می‌کند. در واقع، معیار مراقبت مأمور، که رفتار مأمور متخصص و متعارف است در شناسایی تقصیر مأمور، موضوعیت می‌یابد و به عبارت دیگر، معیار تقصیر مأمور، تجاوز از رفتار مأمور متعارف و متخصص در همان شرایط با نظر دادگاه است (هارپ و ود، ۲۰۰۳). در حقوق ایالات متحده و انگلیس و برخی دیگر از کشورها روش قضایی در ارتباط با وظیفه مراقبت، مصونیت از مسئولیت مدنی را تحت شرایطی برای مأمور به رسمیت شناخته است؛ بر عکس در حقوق ایران، قواعد و مقررات ویژه‌ای در این زمینه تدوین نشده و از سوی دیگر روش قضایی نیز تاکنون مجال بررسی موضوع را پیدا نکرده است (شعاریان، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹). در نتیجه در مسئولیت مبتنی بر تقصیر لازم است ترک فعل تقصیر محسوب شود تا کارکنان به پرداخت خسارت ملزم باشند (صفائی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹)؛ اما طبق نظریه تضمین حق مأموران سازمان باید با آسودگی خاطر بتوانند به خدمات خود بپردازند (ژوردن، ۱۳۸۵)؛ لذا مسئولیت بدون تقصیر سازمان نیروهای مسلح به علت ایجاد محیط خطرناک منطقی است (محمد غفوری، ۱۳۹۴)؛ اما در کل باید مدنظر داشت که مسئول بودن سازمان نیروهای مسلح در حیطه بدون تقصیر نوعی استثنا تلقی می‌شود (زرگوش، ۱۳۸۹).

ت) مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح ناشی از کوتاهی در حمایت و کمک به افراد متقاضی کمک

۱. استمداد مصدوم یا دلالت اوضاع و احوال به ضرورت کمک به مصدوم توسط کارکنان: باید توجه کرد که درخواست شخص مصدوم یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک به مصدوم، شرط لازم ایجاد مسئولیت برای کارکنان است؛ بنابراین اگر تقاضایی از سوی مصدوم نباشد، مسئولیتی برای کارکنان ایجاد نمی‌شود (زرگوش، ۱۳۸۹).

1. Oxford Dictionary of Law

2. Harpowood

۲. توانایی کارکنان بر کمک و برطرف کردن خطر یا جلوگیری از تشدید نتیجه آن: هر گاه از کارکنانی که توانایی کمک ندارند (بنا به شرایط جسمی و...) استمداد شود، او موظف به کمک کردن نیست؛ چه انتظار کمک از کسی که قدرت آن را ندارد، بیهوده است و از نظر عقل و قانون داشتن قدرت از شرایط کلی تکلیف است. بدیهی است که دیگر شرایط عمومی تکلیف مانند تمیز و عقل نیز باید جمع باشد تا بتوان شخص خوددار را مقصر دانست.

۳. متوجه نشدن خطر برای خود کارکنان یا دیگران: به نظر می‌رسد که خطر باید خطر جانی و شرافتی و مالی قابل ملاحظه‌ای باشد؛ اما چون مرجع تشخیص خطر خود شخص هنگام حادثه است، ظاهراً با کمترین احساس خطر اقدامی نخواهد کرد. ظاهر ماده واحده هم هرگونه خطر مالی و جانی را در برمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که صرف دیدن خطر مالی نمی‌تواند بهانه خودداری کارکنان از کمک کردن به مصدوم نباشد؛ اما اگر فقط زیانهای وارد شده مالی باشد، خطر هم باید به اندازه همان یا بیشتر از آن باشد و گرنه شخص به کمک ملزم باشد؛ بنابراین خودداری از فعل در مواردی که بر خلاف متعارف موجب زیان دیگری باشد، تقصیر به شمار می‌آید. تعریف تفریط در ماده ۹۵۲ ق م نیز مؤید این نظر است (زرگوش، ۱۳۸۹).

ج) مسئولیت مدنی کارکنان ناشی از کوتاهی در حفظ اسرار و اطلاعات خصوصی شهروندان
 حق حریم خصوصی از جمله مباحثی است که پس از انقلاب اسلامی در سطح کشور و مخصوصاً نیروهای مسلح جایگاه ویژه‌ای داشته و مکرراً مورد تأکید مقام معظم رهبری است: حقی است که دولت و دیگر اشخاصی را از مداخله و تعرض به حریم خصوصی شخص باز می‌دارد؛ هم به دلیل اصول اخلاقی و هم از طریق حکم قانون (کاتوزیان، ۱۳۵۲). حریم خصوصی محدوده‌ای از زندگی هر فرد است که دیگران بدون رضایت وی نباید وارد قلمرو آن شوند یا نظارت، و تعرض کنند. در این مفهوم، اموال و لباس و تلفن و مکانهای خصوصی و منزل و محل کار، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران جزء موارد حریم خصوصی است؛ هر چند نمی‌توان مصداقهای حریم خصوصی را به این موارد منحصر کرد و در ضمن یکی از رایجترین مصداقهای نقض حریم خصوصی، ورود غیرمجاز مأموران به این حریم است که می‌تواند در مواردی غیرقانونی و موجب مسئولیت مدنی محسوب شود (شعاریان و جباری، ۱۳۸۹، ۱۳۸). درکامن لاجریم خصوصی، مفهومی مستقل از دیگر حقوق و فردی تلقی، و بیان شده است که حریم خصوصی حق تنها ماندن، دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترس‌یها، پنهان ساختن برخی کارها از دیگران بر اطلاعات شخصی و حمایت از شخصیت و کرامت انسانهاست (ادیانی،

۱۳۸۸، ص ۳). در اسلام نیز رعایت و شأن حریم خصوصی مورد توجه قرار گرفته است و افراد از هر گونه تجسس و تفتیش و ورود در منزل و ملک دیگری بدون اجازه صاحب آن ممنوع شده‌اند. آیات متعددی از قرآن کریم بر رعایت چنین حریمی دلالت می‌کند (سوره مبارکه نور، آیات شریفه ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰؛ علیمرادی، ۱۳۹۳، ص ۱۶). حریم جسمانی نیز از مصداقهای دیگر حریم خصوصی است و تفتیش بدنی افراد باید در شرایط قانونی خاص توسط مأمور انجام پذیرد. حریم خصوصی محل کار نیز مصداق دیگری از موضوع بحث است و حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات اعم از ارتباطات پستی و ارتباطات از راه دور (تلفن و تلگراف و...) و ارتباطات اینترنتی موارد دیگر از حریم خصوصی است که قانونگذار در مقررات مختلفی، لزوم حمایت از آن را با تعیین کیفری برای ناقض چنین حریمهایی به رسمیت شناخته است. در بسیاری از موارد، مأموران در اجرای وظایف قانونی به حریم خصوصی افراد وارد می‌شوند و اطلاعات شخصی و محرمانه و خصوصی افراد آشکار می‌شود و حریم خصوصی به هم می‌خورد؛ حریم خصوصی اشخاصی که در مظان اتهام قرار دارند و مأموران آنها را بازرسی بدنی می‌کنند، شکسته می‌شود. با ورود به منزل برای کشف آثار و دلایل جرم یا دستگیری متهم، مکان خصوصی و زندگی فرد، که حریم شخصی اوست، مورد تعرض قرار می‌گیرد؛ در اینجاست که باید توازنی میان عملکرد مأمور و ورود به حریم خصوصی برقرار شود. چنانچه این تعادل از بین برود و مأمور بر خلاف مقررات قانونی حریم خصوصی افراد را مورد تعدی قرار دهد، علی‌القاعده و منطقاً مسئولیت دارد. این مسئولیت می‌تواند هم جنبه کیفری و هم جنبه مدنی داشته باشد. در مواردی که نقض حریم خصوصی موجب بروز خسارت شود، مأمور به جبران زیان وارد شده مکلف خواهد بود. از سوی دیگر، کارکنان نیروهای مسلحی که دارای قوه اقتدار و تجهیزات لازم از قبیل سلاح هستند، توان بیشتری در نقض حریم خصوصی افراد دارند و بدیهی است هر گاه حریم خصوصی برخلاف مقررات نقض شود در چنین وضعیتی مسئولیت بار می‌شود و مأمور به جبران خسارت مکلف است. طبق قانون نیز مأموران نیروهای مسلح مطابق قواعد آدک، از جمله مواد ۴ و بند «ت» ماده ۶۶۰، ۶۵۸، ۶۴۳، باید حریم خصوصی شهروندان را ملاحظه کنند.

۶-۲. حمایت از حریم خصوصی در قوانین ایران

در قانون اساسی ایران، اصل صریحی در این زمینه تدوین نشده؛ اما در برخی از اصول قانون اساسی بعضی از مصداقهای حریم خصوصی مورد حمایت واقع شده است. اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی از جمله مواردی است که دربردارنده حمایت از حریم خصوصی است. اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است

مگر در مواردی که قانون تجویز کند. اصل ۲۵ قانون اساسی نیز بیان کرده است: بازرسی و نرساندن نامه، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. در اصول ۳۲، ۲۴، ۲۳، ۴۶، ۴۷ قانون اساسی نیز مواردی از حمایت از حریم خصوصی ملاحظه می‌شود. در قوانین عادی به صراحت از حریم خصوصی نام برده نشده است ولی به صورت پراکنده در برخی مقررات حمایت از چنین حقوقی ملاحظه می‌شود. در ضمن قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۶۶۰، ۲۱۴، ۱۴۶، ۹۱، ۴۰، ۶۶۹) نیز درباره نقض حریم خصوصی اشاره، و بیانیه‌های بین‌المللی هم به این مهم تأکید کرده‌اند (بلک، ۲۰۰۳).

۳-۶. حمایت از حریم خصوصی داده‌های شهروندان (حریم خصوصی اطلاعاتی)

«حریم خصوصی» به عنوان ارزش اجتماعی و حق قانونی، طیف گسترده‌ای از حقوق مربوط به استقلال شخصی را شامل می‌شود که به عنوان «حق به حال خود گذاشتن» یا «عدم مداخله را مورد خصوصی دیگران» شناخته شده است. اصول حریم خصوصی، تاریخی طولانی دارد و با تهدیدهای روزافزون فناوریهای نوین به رشد و تکامل خود ادامه داده است. از اواسط دهه ۱۹۷۰ موضوع حمایت از اطلاعات خصوصی بر محور رشد و توسعه فناوری رایانه‌ای از دغدغه‌های مهم مربوط به شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی است. با ورود به عصر فناوری اطلاعات بتدریج مسائل و دشواریهای نوینی در ارتباط با حریم خصوصی اشخاص مطرح شده و حقوق حمایت از داده‌ها همانا حمایت از حریم خصوصی در گستره الکترونیکی است. برای دستیابی به این منظور، نیازمند وضع قوانینی فراگیر در این زمینه هستیم. مقررات عمومی حمایت از حریم خصوصی افراد در بیشتر اسناد مهم حقوق بشر گنجانده شده؛ اما توافقیهای خاصی در این زمینه در سطح بین‌المللی هنوز صورت نگرفته است. در مصوبات سازمان ملل، تدابیری درباره پیامدهای توسعه علمی و آثار فناوریهای نوین بر حریم خصوصی افراد اتخاذ شده است. حمایت از آسایش و حریم خصوصی افراد در ارتباط با سامانه‌های خودکار اطلاع‌رسانی در سطوح منطقه‌ای در کنوانسیون اروپایی منعکس است. در حقوق ایران نموده‌های خارجی حریم خصوصی در حقوق مدنی مورد بحث قرار گرفته و در قانون اساسی اصول ۳۹، ۳۳، ۳۲، ۲۸، ۲۵، ۲۳، ۲۲، به نوعی در جهت تمامیت شخص وضع شده است و برخی از این اصول با دقت بیشتری از حریم خصوصی افراد حمایت می‌کنند. در قانون جزای ایران حمایتها درباره اموال و اشخاص و تا حدودی حیثیت آنها برقرار شده است؛ اما به طور مستقیم نقض حریم خصوصی آنان را یادآور نشده‌اند و تنها حمایتی که بخشی از محدوده حریم خصوصی

را محترم می‌شمارد، قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب ۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی در مواد ۵۸ تا ۶۱ است؛ لذا با ارتقای فناوریها، حقوق نیز ارتقا یافته است (نخجوانی، ۱۳۸۲، ص ۴۵). درباره قوانین حمایت از داده، اغلب کشورها دارای این قانون هستند. البته برخی از کشورها نظیر ایران و افغانستان و... چنین قانونی را ندارند. در بین قوانین فدرال و ملی حمایت از داده‌ها، حجیم‌ترین قانون به ترتیب به انگلستان، استرالیا و آلمان متعلق است و از این میان، قانون ایتالیا مفهوماً و مصداقاً بسیار نزدیک و شبیه به سامانه فضایی و ادبیات حقوقی ما است. در سطح جهانی و منطقه‌ای، کنوانسیون اروپایی حمایت از داده و دستورالعمل آن و نیز دو رهنمود کمیسیون اروپا مهم‌ترین اسناد به شمار می‌رود. (نخجوانی، ۱۳۸۲، ص ۴۵). با توجه به حساسیت اطلاعات و داده‌هایی که بنا به اختیارات قانونی در اختیار کارکنان نیروهای مسلح قرار می‌گیرد براساس قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مدون^۱ در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از جمله ماده ۴۸ آیین‌نامه انضباطی، این کارکنان حفاظت از اسرار (داده‌های سازمانی و اشخاص) را باید حتی در وضعیت بحرانی با نهایت فداکاری حفظ کنند و با نظارتی که بر این امر هست، این مهم انجام پذیرفته است؛ لذا احیاناً اگر در راستای عمد یا مسامحه کارکنان، داده‌های اشخاص در اختیار افراد فاقد صلاحیت قانونی قرار گیرد و در این راستا خساراتی اعم از مادی و معنوی به اشخاص وارد شود، کارکنان باید علاوه بر مجازات قانونی ضرر وارد شده را جبران کنند.

۷. نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشانگر این است که اگر کارکنان نیروهای مسلح یا سازمان مربوط علاوه بر فعل در ترک فعل نیز کوتاهی و تقصیر کرده باشند، مانند عدم مواظبت از متهمان در تحت نظرگاه‌ها یا بروز خسارت برای خودروهای توقیفی در پارکینگ، علی‌القاعده بنا به اثبات تقصیر کارکنان، آنها مسئول جبران خسارت وارد شده هستند و در غیر این صورت و عدم تقصیر متهمان و مالباختگان، سازمان نیروهای مسلح مسئول جبران خسارت وارد شده خواهد بود؛ اما با در نظر گرفتن حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شناسایی چنین مسئولیتی دشوار است؛ زیرا در همان ماده به مصونیت دولت در برابر اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت اشاره شده و دولت را در چنین مواردی از مسئولیت مصون شناخته است. در مقابل، ممکن است استدلال شود که معافیت دولت در مقام اعمال این حاکمیت در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به فعل مثبت ناظر است نه ترک فعل و چنانچه دولت از اجرای وظایف خود کوتاهی کند و مرتکب ترک فعل شود،

۱. آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح و...

مصونیت دولت منتفی است که به نظر نمی‌رسد منظور قانونگذار از وضع حکم اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، چنین بوده باشد. در هر حال انجام ندادن وظیفه مانند مراقبت توسط مأمور یا نقص در سازمان مأمور می‌تواند کفه ترازوی جبران خسارت را عوض کند. نکته قابل توجه این است که چنانچه مأمور وظیفه مراقبت از فرد یا افراد خاصی را داشته باشد و در این تکلیف کوتاهی کند، مسئول است؛ مانند اینکه، کوتاهی مأمور در مراقبت از یک مجرم خطرناک بستری شده در بیمارستان به قتل یا متواری شدن او بینجامد که در چنین وضعیتی نمی‌توان مأمور را از مسئولیت، مصون تلقی کرد.

شایان ذکر است که اگر کارکنان نیروهای مسلح یا سازمان مربوط در دستگیری مجرم خطرناک توفیق نیابند و وی خسارات دیگری به شهروندان وارد کند، مسئولیت سازمان مأمور بر مبنای نقض وظیفه عام مراقبت بعید به نظر می‌رسد.

بررسیها حاکی است که قانونگذار در اقدامات ترک فعل کارکنان نیروهای مسلح، که به خسارت منجر شود در عدم مراقبت از مراقبان و تحت نظریه ماده ۱۲۱۶ ق م و تبصره ماده ۴۳ تا ۵۰ قانون مجازات نیروهای مسلح درباره ترک فعلی که به خسارت منجر شود و مواد ۲۷، ۲۸، ۳۱ آن قانون در زمینه کوتاهی در حفظ اسرار و اطلاعات خصوصی شهروندان که به خسارت منجر شود، اشاره کرده است و درباره کوتاهی در حمل یا نگهداری اموال شهروندان ماده ۲۲۸ ق م و ترک فعل مراقبت از اشیا و حیوانات و تجهیزات و پرندگان ماده ۵۲۲ ق م ۱ و ماده ۳۳ ق م را می‌توان اشاره کرد.

در ترک فعل کارکنان نیروهای مسلح اگر ضرر ناشی از تقصیر خود آنها باشد، مسئول هستند و باید شخصاً جبران خسارت کنند؛ در ضمن در حوزه مسئولیت مدنی علاوه بر احراز و اثبات ترک فعل زیانبار کارکنان نیروهای مسلح و تقصیر، وجود رابطه علیت بین فعل زیانبار مأموران یا تقصیر و زیانهای وارد شده بر زیان‌دیده شرط حتمی و قطعی مسئولیت مدنی است (مستفاد از مواد ۳۳۵، ۳۲۸، ۶۶۶ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مدنی، ماده ۵۲۰ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی پیشین)، با وجود این، قانونگذار لزوم برقراری رابطه سببیت بین تقصیر و زیانها را، که از مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی مستفاد می‌شود به عنوان قاعده کلی پذیرفته، و در پاره‌ای از مواد از این قاعده، عدول و نوعی مسئولیت مطلق ایجاد کرده است؛ مع‌الوصف قانون مسئولیت مدنی کشور ما برای زمینه‌های گوناگون حدوث شبه جرم و ایجاد مسئولیت مدنی و اینکه بالاخره چه کسی باید مسئول قلمداد شود، اعم از اینکه مقصر باشد یا نباشد (و اینکه تکلیف مسئولیت بدون تقصیر چه می‌شود) باید با مواد تکمیلی قوانین مربوط

تکمیل شود؛ اما وقتی کارکنان نیروهای مسلح هنگام رانندگی، مقررات عمومی رانندگی را رعایت نمی‌کنند و از اصول و ضوابط خاص حرفه‌ای نیز در رانندگی تخطی می‌کنند، از نظر حرفه‌ای، مقصر قلمداد می‌شوند و بر مبنای نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی دارند. در این حالت زیان‌دیده، می‌تواند به کارکنان نیروهای مسلح رجوع، و خسارات وارد شده را از مقصر حادثه، مطالبه کند. هم‌چنین براساس قوانین خاص، دارنده اتومبیل مسئول جبران خسارات وارد شده به اشخاص ثالث قرار می‌گیرد؛ گرچه هدایت اتومبیل را عهده‌دار نبوده و تقصیری نیز مرتکب نشده است.

شایان ذکر است که نویسندگان قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مسئولیت مالکان اشیا اعم از سلاح و مهمات و وسائل نقلیه، لباسهای نظامی، اسناد و دفاتر ثبت وقایع و... را در مواد ۸۰ تا ۹۲ بر مبنای عمد و تقصیر بنا نهاده و بیشتر بر موضوع مجازات تأکید کرده‌اند؛ اما در ماده ۸۵ قانون مربوط به لزوم جبران خسارت هم اشاره شده است.

یافته‌ها حاکی است که در حقوق ایران، مسئولیت ناشی از خسارات توسط حیوان به عنوان قاعده کلی بر تقصیر مبتنی است و در عین حال مواردی از مسئولیت مطلق نیز به رسمیت شناخته شده است. حسب مورد باید قائل به تفکیک شد و چنانچه موضوع خسارت وارد شده از سوی حیوان مورد استفاده کارکنان نیروهای مسلح از مصداقهای مقرر در ماده ۵۲۴ ق م ا باشد، کارکنان مسئولیت مطلق خواهند داشت؛ در غیر این مورد و به عنوان قاعده کلی قابل اعمال در حقوق ایران، تقصیر کارکنان نیروهای مسلح در ورود خسارت باید اثبات شود تا زیان‌دیده استحقاق مطالبه زیان را داشته باشد. هم‌چنین معیار مراقبت صاحبان مشاغل حرفه‌ای نظیر کارکنان نیروهای مسلح، رفتار مأموری متعارف در همان شرایط و اوضاع و احوال است و این معیار در واقع، وظیفه مراقبت بیشتری را در مقایسه با اشخاص عادی و معمولی جامعه به مأمور تحمیل می‌کند. در واقع، معیار مراقبت مأمور، که رفتار مأمور متخصص و متعارف است در شناسایی تقصیر مأمور، موضوعیت می‌یابد و به عبارت دیگر، معیار تقصیر مأمور، تجاوز از رفتار مأمور متعارف و متخصص در همان شرایط است؛ ضمناً وظیفه مراقبت در ارتباط با مسئولیت مأمور، چهره‌ای خاص پیدا کرده است. مأمور در راستای استقرار نظم و امنیت در جامعه، وظایف متعددی دارد که از جمله آنها وظیفه مراقبت است. برخی از محاکم خارجی، وظیفه عام مراقبت را برای مأمور به رسمیت شناخته‌اند و در تعدادی دیگر از آرای صادر شده، وظیفه مراقبت نسبت به یکایک شهروندان مدنظر قرار گرفته است. مسلم است که نمی‌توان برای مأمور وظیفه مراقبت از تمامی شهروندان را به (صورت جداگانه) تصور کرد و نقض وظیفه یاد شده را موجب مسئولیت مدنی تلقی کرد. تالی فاسد چنین استنتاجی، بازگشایی پرونده‌هایی است که نقض وظیفه در آن

مطرح می‌شود و همین امر نتایج زیانبار متعدد دیگری را هم به همراه خواهد داشت. در مقابل می‌توان گفت، چنانچه مأمور از احتمال تجاوز و تعدی نسبت به شخص یا اشخاص معین، اطلاع داشته باشد و بموقع، وظیفه مراقبت از این گونه افراد را انجام ندهد، می‌توان به علت کوتاهی و نقض این وظیفه، مأمور را مسئول قلمداد کرد و مصونیت وی را نادیده گرفت. در حقوق ما به علت نبود روش قضایی، ارائه پاسخی قاطع مشکل است؛ اما به نظر می‌رسد، نه مصونیت مطلق مأمور و اعطای معافیت گسترده به گونه‌ای که برخی از دادگاه‌های ایالات متحده در پیش گرفته‌اند، راه حلی مناسب است و نه شیوه‌ای که دیوان عالی آلمان برگزیده و وظیفه عام مراقبت را به وظیفه مأمور در برابر یک‌یک شهروندان توسعه داده، روش منطقی و مناسبی است؛ بلکه راه حل منطقی همان نزدیکی از ارتباط میان خواهان (زیان‌دیده) و خوانده (مأمور) است. مأمور وظیفه دارد از جامعه مراقبت کند؛ اما در صورت عدم توفیق در دستگیری تبهکار، علی‌القاعده، نباید پاسخگوی خسارت وارد شده از سوی آن مجرم باشد و بنابراین مصون است مگر اینکه اثبات شود که در اوضاع و احوال قضیه، وظیفه مراقبت خاص از شخص یا اشخاص معینی را بر عهده داشته است که در صورت نقض چنین تکلیفی، می‌توان مصونیت وی را نادیده گرفت و وی را مسئول جبران خسارت وارد شده تلقی کرد.

قابل توجه است که مسئولیت مدنی کارکنان نیروهای مسلح، که وظیفه مراقبت را برعهده دارند به دلیل خسارات ناشی از عمل شخص تحت مراقبت، زمانی محقق می‌شود که کارکنان، به مراقبت از دیگری مکلف باشند و شخص تحت مراقبت، فعل زیانباری انجام دهد که در این صورت، مسئولیت برعهده شخص مراقب خواهد بود.

به نظر می‌رسد که صرف دیدن خطر مالی نمی‌تواند بهانه خودداری کارکنان از کمک کردن به مصدوم باشد؛ اما اگر فقط زیانهای وارد شده مالی باشد، خطر هم باید به اندازه همان یا بیشتر از آن باشد وگرنه شخص به کمک ملزم است؛ بنابراین خودداری از فعل در مواردی که بر خلاف متعارف موجب زیان دیگری باشد، تقصیر به شمار می‌رود. تعریف تفریط در ماده ۹۵۲ ق م نیز مؤید این نظر است.

هم‌چنین در قوانین در زمینه مسئولیت مدنی، حکم صریحی درباره حریم خصوصی و مصداقهای نقض آن ملاحظه نمی‌شود؛ برعکس در قوانین کیفری، احکامی برای ورود به حریم خصوصی افراد پیش‌بینی شده است که می‌تواند در تحلیل قضیه و شناسایی مسئولیت مدنی ناقض چنین حریمی کمک مؤثری کند؛ به دیگر سخن در قوانین جزایی محدودیتها و ضوابطی برای ورود به حریم خصوصی اشخاص پیش‌بینی شده است که نقض آنها مصداق تخلف به شمار

می‌رود و نوعی تقصیر است و بنابراین در شناسایی مسئولیت مبتنی بر تقصیر مأمور می‌توان از همان قواعد بهره جست. در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز رعایت حریم خصوصی افراد مورد توجه گرفته است. در اصول ۲۲ و ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۴۶، ۴۷ قانون اساسی نیز مواردی از حمایت از حریم خصوصی ملاحظه می‌شود و در ضمن در مواد ۶۶۰، ۲۱۴، ۱۴۶، ۹۱، ۴۰، ۶۶۹ نیز در خصوص نقص حریم خصوصی اشاره شده است؛ در ضمن مأموران دولتی از جمله مأموران نیروهای مسلح مطابق قواعد آیین دادرسی کیفری از جمله مواد ۴ و بند «ت» ماده ۶۴۳، ۶۵۸، ۶۶۰، باید حریم خصوصی شهروندان را ملاحظه کنند.

مسئله حائر اهمیت این است که ورود کارکنان نیروهای مسلح بدون مجوز قانونی به حریم خصوصی افراد ممنوع است مگر اینکه رضایت فرد تحصیل شود یا حکم بازرسی و ورود به حریم خصوصی از سوی مقامات قضایی صادر شده باشد. در تحصیل رضایت تفاوتی میان مالک منزل و متصرف قانونی آن وجود ندارد و بنابراین اگر کارکنان نیروهای مسلح بدون مجوز وارد منزل شوند که زوجه در آن متصرف است؛ لیکن مالکیتی ندارد، نقض حریم خصوصی صادق خواهد بود. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح به صورت تخصصی درباره حفظ اطلاعات سازمانی و اشخاص در مواد ۱۳۱، ۲۸، ۲۶ آن قانونی و همچنین در ماده ۴۸ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح کارکنان نیروهای مسلح را به حفظ اسرار ملزم، و مجازاتهای سنگینی را نیز بر این امر مقرر کرده است؛ در ضمن اگر کارکنان نیروهای مسلح یا سازمان مربوط علاوه بر فعل در ترک فعل نیز کوتاهی و تقصیر کرده باشند، مانند عدم مواظبت از متهمان در تحت نظرگاه‌ها یا بروز خسارت برای خودروهای توقیفی در پارکینگ، علی‌القاعده بنا به اثبات تقصیر کارکنان آنها مسئول جبران خسارت وارد شده هستند و در غیر این صورت و عدم تقصیر متهمان و مالباختگان سازمان نیروهای مسلح مسئول جبران خسارت وارد شده خواهد بود؛ اما با در نظر گرفتن حکم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، شناسایی چنین مسئولیتی دشوار است؛ زیرا در همان ماده به مصونیت دولت در برابر اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت اشاره کرده و دولت را در چنین مواردی مصون از مسئولیت شناخته است. در مقابل، ممکن است استدلال شود که معافیت دولت در مقام اعمال حاکمیت یاد شده در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به فعل مثبت ناظر است نه ترک فعل و چنانچه دولت از اجرای وظایف خود کوتاهی و مرتکب ترک فعل شود، مصونیت دولت منتفی است که به نظر نمی‌رسد منظور قانونگذار از وضع حکم اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، چنین بوده باشد. در هر حال انجام ندادن وظیفه مانند مراقبت توسط مأمور یا سازمان مأمور را می‌توان

جداگانه بررسی کرد؛ اما چنانچه مأموران وظیفهٔ مراقبت از فرد یا افراد خاصی را داشته باشند و در این تکلیف کوتاهی کنند، مسئول هستند؛ مانند اینکه کوتاهی مأمور در مراقبت از یک مجرم خطرناک بستری شده در بیمارستان به قتل یا متواری شدن او بینجامد که در چنین وضعیتی نمی‌توان مأمور را از مسئولیت، مصون تلقی کرد. هم‌چنین اگر کارکنان نیروهای مسلح یا سازمان مربوط در دستگیری مجرم خطرناک توفیق نیابند و وی خسارات دیگری به شهروندان وارد کند، مسئولیت سازمان مأمور بر مبنای نقض وظیفهٔ عام مراقبت بعید به نظر می‌رسد.

در پایان قانونگذار در اقدامات ترک فعل کارکنان که به خسارت منجر شود در عدم مراقبت از مراقبان و تحت نظریه ماده ۱۲۱۶ ق م و تبصره ماده ۴۳ الی ۵۰ قانون مجازات نیروهای مسلح درباره ترک فعلی که به خسارت منجر شود و مواد ۲۷، ۲۸، ۳۱ در زمینه کوتاهی در حفظ اسرار و اطلاعات خصوصی شهروندان که به خسارت منجر شود، اشاره کرده است که درباره کوتاهی در حمل یا نگهداری اموال شهروندان ماده ۲۲۸ ق م و ترک فعل مراقبت از اشیا و حیوانات و تجهیزات و پرندگان ماده ۵۲۲ ق م ۱ و ماده ۳۳ ق م را می‌توان اشاره کرد.

۸. پیشنهادهای کاربردی

- استانداردسازی الگوی رفتاری کارکنان نیروهای مسلح بر اساس متون آموزش و تخصصی به روز که بر آن اساس بتوانند با معیارها و ضوابط قانونی و حرفه ای اقدامات خود را انجام دهند و از ضابطه حرفه‌ای خارج نشوند و مانع بروز خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی شوند و این امر مستلزم مطالعه متون اسلامی و روشهای ویژه کشورهای پیشرفته است.

- ساخت مراکز مراقبتی و تحت نظرگاه‌های استاندارد برای نگهداری متهمان به گونه‌ای که بتوانند بر آنها اشراف داشته باشند و مانع ورود ضرر به خود یا اموال سازمانی شوند.

- به دلیل حفظ روحیه کارکنانی که وظیفه نگهداری از متهمان را در تحت نظرگاه‌ها بر عهده دارند، قوانین مصونیتی تدوین شود تا در صورتی که مرتکب تقصیر نشده‌اند، خسارات وارد شده توسط سازمان یا بیت‌المال پرداخت شود.

- تدوین دستورالعمل‌های سازمانی در نیروهای مسلح و اختصاص بودجه‌ای مخصوص توسط دولت به جبران خسارت کارکنان نیروهای مسلح یا سازمان مربوط که در راستای کمک به مصدومان و افرادی که در معرض خطر قرار گرفته‌اند و بدون ورود خسارت به کمک به آنها امکانپذیر نیست متحمل می‌شوند.

- بازنگری قانونگذار نسبت به قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح درباره رعایت و حفظ اطلاعات شهروندان در کنار اطلاعات سازمانی توسط کارکنان (مواد تخصصی)

- گاهی در راستای اعمال حاکمیت، کارکنان نیروهای مسلح و در راستای ترک فعل آنها موجب بروز ضرر به اشخاص می‌شوند که طبق ماده ۱۱ ق م م مسئولیتی بر عهده آنها نیست؛ لذا در این حالت نیاز است قوانین مدونی برای جبران خسارت شهروندان تهیه و تدوین شود تا طبق قاعده لاضرر هیچ خسارتی جبران نشده نباشد.
- تهیه سازوکار و فرایند مناسب برای حذف امکان هر گونه افشای اطلاعات محرمانه اشخاص با تدوین مقررات قانونی منسجم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم

- امام خامنه‌ای، سید علی اکبر (۱۳۷۸). بیانات فرماندهی کل قوا در دیدار با فرماندهان و مدیران نیروهای مسلح، پایگاه اطلاع رسانی معظم‌له
- ایراندخت، نظری (۱۳۹۵). حقوق مدنی ۴، چ دوم، تهران: انتشارات مجد
- ادیانی، سید یونس (۱۳۸۸). ابعاد حریم خصوصی در حکومت اسلامی، چاپ دفتر مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). حقوق مسئولیت مدنی، چ هفتم، تهران: انتشارات نشر میزان
- بهشتی، محمد (۱۳۶۵). فرهنگ صبا، چ ششم، تهران: انتشارات صبا
- تقی‌زاده، ابراهیم و هاشمی، احمد علی (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی، چ دوم، تهران: مرکز چاپ و نشر دانشگاه پیام نور
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). محشی قانون مدنی، چ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش
- داراب‌پور، محراب (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی ناشی از خسارت سازه‌ها، مجله تحقیقات حقوقی، ۱، ۴۴؛ ص ۷
- ره‌پیک، حسن (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبرانها، چ دوم، تهران: چاپ انتشارات خرسندی
- زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت، تهران: انتشارات نشر میزان
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵). اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چ دوم، تهران: چاپ نشر میزان
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی پلیس، تبریز: چاپ فروزش
- شعاریان، ابراهیم و جباری، منصور (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۱، ۳، ص ۲۳۰
- صفائی، حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چ دهم، تهران: انتشارات سمت

- عباسلو، بختیار (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، فسنامه دانش انتظامی، ۲، ۱۲،

ص ۷

- علیمردی، علی (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی قاضی بر مبنای قرآن، فسنامه مطالعات قرآنی، ۵،

۱۷، ص ۱۶

- عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ عمید، چ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر

- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۷). الزام‌ها، مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چ چهارم، تهران: چاپ

نشر میزان

- محمد غفوری، محمد رضا (۱۳۹۴). مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان نیروهای مسلح،

تهران: انتشارات سازمان قضائی نیروهای مسلح

- ماندل، رابرت (۱۳۷۸). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات

راهبردی

- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۱). شرح و نقدی بر قانون بکارگیری سلاح، ج سوم، تهران:

انتشارات دانشگاه علوم انتظامی

- نوری، علی و نجوانی، رضا (۱۳۸۲). حقوق تجارت الکترونیکی، تهران: انتشارات گنج دانش

- نوری، محمد و رضا، نجوانی (۱۳۸۳). حقوق حمایت داده‌ها، تألیف با همکاری کمیته

مطالعات حقوق فناوری ریاست جمهوری، تهران: انتشارات گنج دانش

- نوین، پرویز (۱۳۹۲). حقوق مدنی ۴ (مسئولیت مدنی تطبیقی)، تهران: انتشارات گنج دانش

- Black, B. Cheffins, B. & Klausner, M.(2003).” Outside Director Liability”, **Stanford Journal of Law, Business and Finance**, 9 (50).

- Bryan A. Garner, **Black’s Law (2004) Dictionary**, 8 ed., USA: Thomson West Pub.

- Harpwood , V., (2003) **Modern Tort Law** , 6thed. London, Careudish pub.

- Oxford Dictionary of Law, Fifth ed., Oxford Press ,(2002)



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني